

### بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

جنبش عدالتخواهی هنگامی که در جمع دانشجویان و خطاب به آنها گفته می‌شود، مقصود این است که این طلب و خواسته و خواهش به عنوان یک خواسته‌ی عمده مطرح شود. نباید بگذارید این مطالبه‌ی مهم از ذهنها دور شود؛ یعنی بایستی عدالت آنچنان از طرف مردم، قشرها و بخصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی- چه بنده و چه هرکس دیگری که در جایی مسئول است- ناچار باشد به مقوله‌ی عدالت، و لو برخلاف میلش هم باشد، بپردازد. یک‌وقت است که ما مثلا به وزارت اقتصاد و دارایی می‌گوییم عدالت را رعایت کن، یا به قوه قضائیه می‌گوییم عدالت را رعایت کن؛ اما یک‌وقت به جوانان می‌گوییم شما عدالت را مطالبه کنید. هرکدام معنای خاصی دارد. مطالبه‌ی عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیطهای جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند. اگر غیر از این کاری صورت گیرد، ممکن است درست و یا غلط باشد، که بنده چون نمی‌دانم، نظری نمی‌دهم.

### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۸۲/۰۸/۱۰

خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است. این خواستها باید وجود داشته باشد. در کنار این خواستها، این‌طور هم نباشد که همه‌ی کارهایی را که مسئولان کرده‌اند، انسان زیر سوال ببرد و مورد تردید قرار دهد؛ نه، واقعا در همین زمینه‌هایی که شما مطرح کردید، کارهای خوب و زیادی صورت گرفته؛ منتها اداریه کشور در مقطع امروز کار بسیار مشکلی است. می‌دانید امروز ما در یک چالش عظیم قرار داریم با مراکز قدرتی که فکر آنها این است که اگر این نظام کارآمدی خود را به‌طور کامل اثبات کند، عرصه برای آنها تنگ خواهد شد؛ کمالینکه همین الان هم آنها می‌بینند در مقابل نظام جمهوری اسلامی کم‌کاری کرده‌اند که نظام ما توانسته به پیشرفتهایی که دوستان اشاره کردند، نایل آید. البته به شما عرض بکنم؛ پیشرفتهای در بخشهای مختلف، بیش از این‌هاست. گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و- همان‌طور هم که چند روز پیش در جلسه‌ای مطرح کردم- همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه‌گیر کنید؛ به‌گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه‌وار و معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیانا کوتاهی‌هایی هم شده؛ اما باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه‌ی قهری نوهی بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه به‌شدت معترض است؛ نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می‌کنید؛ اصلا همه‌ی تلاش‌تان این است که نظام را پیش ببرید. هرچه می‌توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخشهایی که خلا وجود دارد، هرچه می‌توانید، کمک کنید تا خلا برطرف شود. هرچه می‌توانید، شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن‌ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه‌ی فکری آن کار کنید- این‌ها لازم است- اما کاری نکنید که مخالفان شما این تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسلامی می‌تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می‌تواند؛ البته که توانسته! مدعی دستگاه‌های مختلف از لحاظ کارآمدی، خود بنده هستم.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۸

یکی از شعارهای این دولت، عدالت است. عدالت یقینا محور انقلاب بود؛ در این شکی نیست. هیچ دولتی هم از اول نیامده صریحا بگوید من نمی‌خواهم طبق عدالت رفتار کنم؛ لیکن من باید از آقای احمدی‌نژاد تشکر کنم که ایشان کار جدیدی کردند؛ عدالت محوری را به عنوان یک شعار گذاشتند وسط؛ این کار خیلی بزرگی بود. وقتی که ایشان تبلیغات انتخاباتی می‌کردند، به افراد خانواده‌ی خود می‌گفتم اگر آقای احمدی‌نژاد رای هم نیاورد، این خدمت بزرگ را به انقلاب کرد که شعار عدالت محوری را مطرح کرد؛ نگذاشت به فراموشی سپردن این شعار بشود یک سنت. این شعار مطرح شد و ذهن‌ها را به خودش متوجه کرد. خوشبختانه مردم هم فهمیدند، خواستند، دوست داشتند و رای دادند. این کار، کار مهمی است. بنابراین عدالت‌محور بودن این دولت حرف بزرگی است؛ طرح این شعار به عنوان محور حرکت دولت، یک کار جدید است؛ خودش یک تحول است؛ به این پایبند باشید. برای تحقق عدالت، خیلی کار شده است. از اول انقلاب همه‌ی فعالیت‌هایی که به نفع طبقات محروم انجام گرفته؛ یعنی بردن امکانات رفاهی، امکانات آموزشی و امکانات بهداشتی به اقصی نقاط کشور- که واقعا از بس زیاد است، قابل شمارش نیست- در جهت عدالت بوده است. حقا و انصافا این خدمت‌رسانی، اوضاع را زیر و رو کرده. کسانی که در دوره‌ی قبل اوضاع طبقات محروم را دیدند، می‌توانند بفهمند. من خودم در نقاط محروم بودم و جاهای محروم را در آن دوره دیدم؛ حالا هم که خیلی اوقات رفته و از نزدیک دیدم؛ واقعا زیر و رو شده. همین زیرساخت‌های عظیمی که برای استفاده‌ی عموم است، همه‌ی این‌ها کمک به عدالت است؛ در این تردیدی نیست؛ منتها نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه‌ی دو کم‌کم در مقابل ارزشهای دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلا ارزش پیشرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقا به معنای نفی این‌ها نیست؛ اما وقتی ما این ارزش‌ها را عمده می‌کنیم و مساله‌ی عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کم‌رنگ می‌شود، خطر بزرگی است؛ اما با عدالت‌محور بودن یک دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود.

اصلا عدالت چیست؟ عدالت، به‌حسب ظاهر، مفهوم ساده‌یی است و همه می‌گویند و آن را تکرار می‌کنند؛ منتها در عمل، رسیدن به عدالت خیلی دشوار است؛ همان نکته‌یی که امیر المومنین در باره‌ی حق فرموده است: «الحق اوسع الاشیا فی التواصف و اضیقها فی التناصف». در مورد عدل هم عینا همین‌طور است؛ چون عدل هم حق است و اصلا از هم جدا نیستند. به یک معنا، حق همان عدل است؛ عدل همان حق است؛ تواصفش آسان است، اما در عمل، رسیدن به عدالت مشکل است؛ حتی شناختن موارد عدالت و مصادیق عدالت هم گاهی خیلی مشکل است؛ کجا عدالت است، کجا بی‌عدالتی است. من نمی‌خواهم الان عدالت را تعریف کنم که چیست. تعریف‌های کلی و عمده‌یی از عدالت شده؛ تقسیم عادلانه‌ی امکانات و از این قبیل حرفها، که درست هم هست و محتاج تدقیق و ریزبینی هم هست؛ یعنی شما در هر یک از بخش‌هایتان واقعا باید ببینید عدالت چیست و با چه چیزی حاصل می‌شود.

من می‌خواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به‌شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلا عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی‌که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است.

عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فورا به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بی‌مناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشا تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی‌حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن‌چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سالهای متمادی- به تعبیر رایج امروز- یک گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیت گاهی منشا چنین تحولات عظیمی است. الان هم همین‌طور است. الان در نظام ما برخی از تحولات هست که منتهی یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه‌ی به وضع موجود و وضع

دنیاست. من در زمینه مسائل گوناگون این را دارم مشاهده می‌کنم. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه ماست و اگر کسی درست بفهمد و ببیند، می‌فهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه مسائل اقتصادی، هم در زمینه مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه‌ی عقلانی را با محاسبه‌ی محافظه‌کارانه به هیچ‌وجه مخلوط نکنید؛ این‌ها دو چیز است.

تا می‌گوییم محاسبه و عقلانیت، عده‌ی می‌گویند مواظب باشید، دست از پا خطا نکنید، عقل را رعایت کنید؛ نبادا یک حرف آن‌چنانی بزنید که در دنیا آن‌طوری بشود؛ نبادا یک کار آن‌چنانی بکنید که دنیا صف‌آرایی کند. این‌ها عقلانیت محافظه‌کارانه است؛ من به این اصلا اعتقاد ندارم. بنابراین اگر بخواهید عدالت را به درستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه‌ی عقلانی و به کار گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف، تا بفهمید چه چیزی می‌تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادادی می‌دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تامین کند. اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم- یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد- این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود. ما می‌گفتیم عدالت و آزادی؛ اما آزادی اصلا جزو شعارهای آن‌ها نبود. در همه‌ی کشورهای که حرکت کمونیستی در آنجا به شکلی از اشکال- انقلاب یا کودتا- تحقق پیدا کرده بود، «عدالت» محور شعارهای آن‌ها بود؛ اما واقعیت زندگی آن‌ها مطلقا نشان‌دهنده‌ی عدالت نبود؛ درست ضد عدالت بود. عده‌ی به اسم کارگر سر کار آمدند، که همان طبقه‌ی اشرافی رژیم‌های طاغوتی بودند و هیچ تفاوتی با آن‌ها نداشتند. زندگی سران کشورهای مارکسیستی این‌طور بود. بنده زمان مسئولیت ریاست جمهوری وضعیت اشراف پایین بعضی از کشورهای سوسیالیستی را دیده بودم؛ آن چیزی که اسمش عدالت است و آن مفهومی که عدالت دارد، مطلقا در آنجا وجود نداشت. طبقه‌ی اشراف جدیدی در آنجا وجود داشت که با معیارهای حزبی و سیاسی خاص خودشان روی کار آمده بود و از همه‌ی امکانات برخوردار بود؛ مردم هم در فقر و تهی‌دستی و بدبختی زندگی می‌کردند. این وضعیت حتی در بعضی از کشورهای درجه‌ی یکشان هم دیده می‌شد. بنابراین، این‌گونه عدالت‌طلبی بی‌دوام خواهد بود و از طریق درست خودش منحرف و ریاکارانه و دروغین خواهد بود.

عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک‌بعدی است. بعضی‌ها اهل معنا نیستند، اما هیچ‌نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسانها ندارد؛ «من اصبح و لم یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم». آدم معنوی‌یی که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنوی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم. بنابراین معنویت و عدالت در هم تنیده است. این نکته را هم در باب عدالت عرض کنیم که بعضی‌ها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. خیر، کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ‌وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه‌ی امکانات موجود است. آن‌هایی که می‌گویند عدالت توزیع فقر است، مغز و روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم می‌شود، ثروت باشد. دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم. در غنی‌ترین کشور عالم- یعنی آمریکا- کسانی هستند که از گرسنگی و از سرما و گرما می‌میرند؛ این‌ها که شعار نیست؛ واقعیت‌هایی است که مشاهده می‌کنیم. کسانی هستند که در آرزوی یک آپارتمان سه چهار اتاقه سال‌های سال تلاش می‌کنند و چون به جایی نمی‌رسند، می‌روند خیانت می‌کنند تا به این امکانات برسند.

دو سه سال قبل یک عضو عالی‌رتبه‌ی سی. آی. ای را به جرم جاسوسی برای شوروی سابق و دنباله‌اش روسیه، دستگیر کردند. در مصاحبه‌ی او پرسیدند- که ما این مصاحبه را در مطبوعه‌ی خواندیم- چرا این کار را کردی؟ گفته بود من دلم می‌خواست یک ویلا که سه اتاقه داشته باشم، اما دیدم با این حقوق و درآمد نمی‌شود؛ مجبور شدم بروم نوکری شوروی را بکنم؛ با آن دشمنی و نقاضتی که آن روز بین آن دو کشور وجود داشت. وقتی دنبال تولید ثروت رفتن از نگاه عدالت محور جدا باشد، به این جاها می‌رسد که در جامعه‌ی، کسانی که زرنگ‌تر و باهوش‌ترند، یک‌شبه به ثروتهای کلان و انبوه می‌رسند؛ کسانی هم که خودشان خانواده‌ی ثروتمند؛ اکثریتی هم هستند که در زندگی‌های معمولی همراه با حسرت، و تعدادی هم در زندگی‌های بسیار سخت و دشوار به سر می‌برند. بنابراین، اینکه ما بگوییم عدالت را مطرح نکنید، تولید ثروت را مطرح کنید؛ پنهان را هم این بی‌آوریم که بعد از تولید ثروت سراغ عدالت می‌رویم، این نمی‌شود. عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم- نه عادلانه‌ی بی‌حساب و کتاب- و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد؛ نه اینکه به قشر خاص و به دسته‌ی خاصی بیشتر برسد. این وظیفه از وظایف دولت اسلامی بود که شما شعارش را دادید؛ خیلی هم خوب کردید؛ دنبالش هم باشید؛ متعهد به این هم باشید؛ و این اساس کار شماست. عدالت را واقعا محور همه‌ی برنامه‌ریزی‌های خودتان قرار دهید و ببینید در بخش‌های مختلف چگونه می‌شود آن را تامین کرد. در این زمینه، بخصوص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نقش خیلی زیادی دارد و بعد هم بخش‌های مالی و اقتصادی دولت و بخش خدماتی و دیگر بخش‌ها.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۴/۰۸/۰۸

سوم، غفلت از مردم و خدمت به آن‌هاست. اگر غفلتی در این مورد داشته‌ایم، باید به خدا پناه ببریم و توبه کنیم. نگذاریم دل ما از مردم غافل شود؛ بخصوص شما مسئولانی که مردم با شعار «خدمت به مردم»، «مبارزه با فساد»، «عدالت اجتماعی»- چه در مجلس، چه در دولت- شما را انتخاب کرده‌اند. یک‌لحظه باید از خدمت به مردم غافل نشویم. به برکت گفتمان عدالت و خدمت و مبارزه با فساد، امروز این مجلس و این دولت شکل گرفته. علاقه‌ی مردم به این مفاهیم بوده؛ نمی‌شود این مفاهیم را مجرد و انتزاعی بدانیم؛ این‌ها مفاهیم واقعی است؛ در میدان زندگی است. عدالت را باید در برنامه‌های گوناگون معنا کنید. آنچه مربوط به عدالت و خدمت به امور اقتصادی و مادی مردم است، در سیاست‌های چهارم وجود دارد؛ که از جمله آن‌ها تقویت پول ملی، مهار تورم و گرانی، کم کردن شکاف و فاصله بین دهک‌های بالا و پایین جامعه و از این قبیل است. این سیاست‌ها باید به برنامه تبدیل شود؛ و الا خود عنوان «عدالت» یک هدف آرمانی است. سیاست‌هایی که می‌تواند ما را به عدالت برساند و برنامه‌هایی که می‌تواند این سیاست‌ها را محقق کند، باید مورد توجه قرار بگیرد. البته در برنامه‌ی چهارم در این زمینه مشکلاتی وجود دارد؛ این مشکلات هم باید برطرف شود؛ برنامه واقعا طبق سیاست‌ها تحقق پیدا کند تا بتوان امیدوار بود که با این برنامه به آن سیاست‌ها خواهیم رسید.

#### بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

فرصت این روز و روزگاری که شما بر سر کار هستید، بسیار فرصت استثنایی و مغتنمی است؛ حقیقتا از دوره‌هایی است که ما نظیر آن را در گذشته‌ی دوران انقلاب تا امروز کم داشته‌ایم. اولاً، شعارهای دولت و مسئولان و اهداف تعیین‌شده‌ی آنان کاملاً با مبانی انقلاب و با مبانی اعلام‌شده‌ی امام عزیز ما منطبق است. ثانیاً، این گفتمان در بین مردم به طور محسوس زنده است و وجود دارد؛ که وجود این گفتمان میان مردم هم، عامل عمده و اصلی گرایش آن‌ها به این دولت و این رئیس‌جمهور محترم بود. مردم، تشنه‌ی عدالت، تشنه‌ی مبارزه با فساد و تشنه‌ی تمسک به اصول انقلاب بودند، که وقتی دیدند یک نفر صادقانه این شعارها را سر دست گرفته و مطرح می‌کند، حول محور او جمع شدند؛ خود این نعمت بزرگی است که این تفکر به صورت یک گفتمان مسلط در جامعه درآمد و همچنان ادامه دارد و بعد از روی کار آمدن این دولت، بحمد الله تقویت هم شده است. طبیعت کار هم این است، هرچه شما بهتر، بیشتر، صمیمی‌تر و پایبندتر به اصول حرکت کنید و

بیش بروید، عمق این ایمان در دل‌های مردم ما بیشتر خواهد شد و تغییر آن به وسیله‌ی دست‌های بیگانه، برای آن‌ها دشوارتر خواهد شد. بنابراین فرصت، واقعا فرصت مهمی است. مردم به دولت اعتماد دارند؛ دولت، خود را جزو مردم و از جنس مردم می‌داند و می‌شمارد؛ از لحاظ انعکاس بین‌المللی، کشور از یک عزت کم‌سابقه یا بی‌سابقه‌ای برخوردار است؛ ابهت نظام اسلامی، عظمت ملت ایران، رسایی و شفافیت اغراض و اهداف جمهوری اسلامی در دنیای اسلام، بیش از همیشه است؛ و حتی در دنیای غیر مسلمان، امروز عزت و ابهت ملت ما بسیار برجسته است و این را همه تصدیق می‌کنند و از نشانه‌ها و عکس‌العمل‌های خارجی‌اش هم این را می‌فهمیم. به هر حال، فرصت بسیار مهمی است.

#### بیانات در دیدار مردم گرمسار / ۱۳۸۵/۰۸/۲۱

آحاد مردم، مردم بخش‌های مختلف کشور و قشرهای گوناگون جامعه، در یک هماهنگی مطلوب و با یک برخورد هوشمندانه‌ی متناسب با یک ملت بزرگ، مسائل کشورشان را دنبال می‌کنند. مردم شعارها و آرمان‌های ملی را با درک کامل بر زبان جاری می‌کنند؛ مثل همین شعارهایی که شما امروز دادید و در همه جا راجع به پیشرفت‌های علمی، انرژی هسته‌ای و موقعیت‌های سیاسی کشور در سطح بین‌المللی شعار می‌دهند. و امروز بیش از گذشته هم حتی گفتمان عدالت‌طلبی و رفع تبعیض و مبارزه‌ی با فساد در کشور مستقر و حاکم است.

#### بیانات در دیدار اعضای هیات دولت و مدیران اجرایی کشور / ۱۳۸۶/۰۲/۰۹

شاید بعضی‌ها- حتی بعضی مخلصین انقلاب، نه بیگانه‌ها و بدل‌ها؛ حتی نزدیکان- در طول بعضی از سال‌های گذشته تصورشان این بود که شعارهای اصلی انقلاب؛ سربلندی اسلام، مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی مبارزه با استکبار، تلاش و مجاهدت برای رفع استضعاف از مستضعفان، دیگر روزگارش تمام شده است؛ بعضی البته جسارت و گستاخی کردند و همین‌ها را نوشتند و گفتند! اشتباه می‌کردند، معلوم بود؛ می‌دانستیم اشتباه می‌کنند. اما این گستاخی، دل‌ها را خراش می‌داد. امروز به همت ملت ایران، با انتخاب ملت ایران، دولتی سر کار آمده است که شعارهای اصلی انقلاب، شعارهای اساسی و اصولی اوست. گفتمان مفاهیم انقلاب اسلامی، امروز گفتمان رائج و غالب است؛ این خیلی اهمیت دارد. من البته این را پیش‌بینی می‌کردم. من شاید حدود هفت سال، هشت سال قبل از این، در جلسه‌ی کارگزاران نظام اسلامی که در همین حسینیه تشکیل شد، دلائلی آوردم بر اینکه دشمنان انقلاب که خیال می‌کنند می‌توانند انقلاب را به فراموشی بسپرنند و قربانی کنند و از رویش عبور کنند، اشتباه می‌کنند؛ گفتم نمی‌توانید؛ می‌دانستیم اشتباه می‌کنند. بحمد الله ملت ایران همت کردند و آنچه که می‌خواستیم، شد. این هم یک فرصت است. پس مسئولیت کنونی شما در یک چنین موقعیتی است که شعارهای انقلاب، اصول اساسی برنامه‌ریزی در این دولت اعلام می‌شود؛ این هم خیلی مهم است. پس مسئولیت‌ها را مغتنم بشمرید.

#### بیانات در دیدار دانشجویان نخبه و نغرات برتر کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۷/۱۷

توصیه‌ی من به فضای دانشجویی و محیط دانشجویی، همین مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی خواستن، مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل خاص دانشگاهی؛ همراه با عقلانیت. من از اول انقلاب تا حالا، حتی در آن روزهای هم که روزهای بعضی از تحركات نامتناسب بود و من به دانشگاه تهران می‌آمدم و با جوان‌ها صحبت می‌کردم، عقیده و سلیقه‌ام همین بود که دانشجوی باید از افراط و تفریط پرهیز کند؛ من با افراط‌کاری و زیاده‌روی‌های گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط نباشد که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملا فایده دارد. اگر مثلا شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته می‌شود، بعد هم تمام می‌شود، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گیرد. مطمئن باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به وجود نمی‌آید. شماها کردید؛ کار شما جوان‌ها بود؛ به عنوان جنبش عدالتخواهی، به عنوان طرح مسئله‌ی عدالتخواهی- نمی‌خواهم حالا به یک تشکیلات خاص اشاره کنم- این را در دانشگاه‌ها جوان‌های مومن، جوان‌های متعهد، جوان‌های بامسئولیت مطرح کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را در گزینش‌های مردم، در جهت‌گیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد. بنابراین شما یک گام جلو آمدید. من می‌بینم بعضی از دوستان دانشجوی- حالا چه در این جلسه، چه شاید بیش از این؛ در ارتباطات دیگری که با من گرفته می‌شود- نسبت به برخی از مسائل مربوط به عدالت و رفع تبعیض و مبارزه با فساد، در ذهنشان سوالاتی مطرح می‌شود که خوب حالا چی که دائم گفتیم، بله، گفتید و شد؛ منتها این انتظار که همه‌ی آنچه را که ما خواستیم، در کوتاه‌مدت تحقق پیدا کند، عملی نیست؛ در هیچ شرائطی در کوتاه‌مدت، آرمان‌های بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمان‌های بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مایوس نشد تا به نتیجه برسد.

#### بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

شما می‌گویند که ما شعار عدالت می‌دهیم؛ دانشجوی را می‌گیرند، اما آن کسی را که به عدالت صدمه زده، نمی‌گیرند. قوه‌ی قضائیه چنین، یا دستگاه مسئول چنان، خوب، اینجا شما باید زرنگی کنید؛ یک‌لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید؛ این شان شماست. جوان و دانشجوی مومن شانش همین است که عدالت را بخواهد. پشتوانه‌ی این فکر هم با همه‌ی وجود، خودم هستم و امروز بحمد الله نظام هست. البته تخلفاتی هم ممکن است انجام بگیرد؛ شما زرنگی‌تان این باشد؛ گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. وقتی شما روی یک مصداق تکیه می‌کنید، اولاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من می‌بینم دیگر، من مواردی را مشاهده می‌کنم- نه در دانشگاه، در گروه‌های اجتماعی گوناگون- که روی یک مصداق خاصی تکیه می‌کنند؛ یا به عنوان فساد، یا به عنوان کج‌روی سیاسی، یا به عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلا اتفاقا از جریان اطلاع دارم و می‌بینم این‌جوری نیست و آن کسی که این حرف را زده، از قضیه اطلاع نداشته است. بنابراین وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه می‌کنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله‌ای به دست می‌دهید برای اینکه آن زرنگ قانون‌دان قانون‌شکن- که من گفته‌ام قانون‌دان‌های قانون‌شکن خطرناکند- بتواند علیه شما استفاده کند. شما از دادستان چه گله‌ای می‌توانید بکنید؟ اگر یک نفری به عنوان مفتی یک شخصی را معرفی کند و بگوید آقا او این افترا را به من زده، خوب، شان آن قاضی این نیست که برود دنبال ماهیت قضیه. اگر این افترا گفته شده باشد، زده شده باشد، ماده‌ی قانونی آن قاضی را ملزم به انجام یک کاری می‌کند؛ لذا نمی‌توانیم از او گله کنیم. شما زرنگی کنید، شما اسم نیاورید، شما روی مصداق تکیه نکنید؛ شما پرچم را بلند کنید. وقتی پرچم را بلند کردید، آن کسی که مجری است، آن کسی که در محیط اجرا می‌خواهد کار انجام دهد، همه حساب کار خودشان را می‌کنند. آن کسی هم که فریاد مربوط به محتوای این پرچم را بلند کرده، احساس دلگرمی می‌کند و کار پیش خواهد رفت. بنابراین به نظر من مشکلی در کار شما نیست؛ شما جوان‌های مومنی هستید که انتظار هم از شما همین است. هر شعار خوبی که داده می‌شود، بعد از انکال به خدای بزرگ که همه‌ی دل‌ها و زبان‌ها و اراده‌ها دست اوست، تکیه به شما جوان‌هاست، امید به شما جوان‌هاست؛ این را بدانید.

#### پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی / ۱۳۸۷/۰۲/۰۷

آغاز این مجلس با ورود در دهه‌ی چهارم انقلاب هم‌زمان شده است. در این دهه، گفتمان اصلی انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ پیشرفت در همه‌ی ابعاد علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی، و عدالت همه‌جانبه در توزیع فرصت‌ها و امکانات مادی و معنوی. عنصر پیشرفت، باید نگاه ما را به استعداد‌های بی‌شمار پراکنده در میان ملت، معطوف سازد و ظرفیت‌های تولید و خلاقیت و درخشش توانایی‌های گوناگون در همه‌ی زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند. و عنصر عدالت باید نابرابری‌ها را از فرصت‌ها و توانایی‌های کشور را، از این مواهب الهی و عمومی برخوردار سازد. مجلس که پدیدآورنده‌ی نرم‌افزار اصلی حرکت کشور است باید لحظه‌ی از این تکلیف غفلت نرورد.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۷/۰۴/۰۲

خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمانهای انقلاب است؛ این خیلی چیز بارز و بارزشی است. این را هیچ‌کس نمی‌تواند ندیده بگیرد. هر دلبسته‌ای به انقلاب، این را قدر می‌داند؛ هرکسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور می‌کند، باید این را قدر بداند. عدالت‌خواهی در این دولت پررنگ شد. شعار عدالت‌خواهی به صورت جدی بر روحیه مسئولان، دولتمردان و برنامه‌ها، پرتو افکند. استکبارستیزی- که معنای ویژه انقلابی خودش را دارد- در این دولت تشخیص و تمیز پیدا کرد. معنای استکبارستیزی دشمنی کردن با دولتهای دنیا نیست، معنایش دشمنی کردن با استکبار است. استکبار- از هر دولتی و از هر نظامی سر بزند- آفت برای بشریت است. البته امروز آمریکا و صهیونیسم مظهر استکبارند؛ لیکن هرچا، هرکس، هر دولتی و هر مجموعه‌ای که نسبت به دیگران استکبار بورزند، آفتی در جامعه بشری و در نظام زندگی انسان به وجود می‌آورند. ستیزه‌ی با این حالت هم یک حالت مطلوب اسلامی است. این هم یکی از خصوصیات این مجموعه است که خوشبختانه برجسته است.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۷/۰۴/۰۲

این دهه‌ای که ما در پیش رو داریم، دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. این دو شعار، شعار دهه‌ی آینده است؛ پیشرفت، عدالت. نه اینکه تا حالا پیشرفت نکرده‌ایم، نه اینکه تا حالا بکلی به عدالت بی‌اعتنائی شده باشد؛ نه، ما می‌خواهیم در این دهه یک پیشرفت جهشی همه‌جانبه و یک عدالت‌گستری وسیع همه‌جانبه اتفاق بیفتد. خوشبختانه زمینه‌هایش هم فراهم است. در این دهه، گفتمان مسئولان کشور بایستی پیشرفت و توسعه باشد؛ پیشرفت و عدالت باشد.

البته خب، بدیهی است که بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند؛ این را قبلا هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلا تحقق پیدا نمی‌کند و آن چیزی که انسان تصور می‌کند عدالت است، می‌آید و جای عدالت واقعی را می‌گیرد. بنابراین معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است. اما بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمی‌کند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف‌والایی که همه برای او کار می‌کنند، این باشد.

### بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

آینده متعلق به شماست. ما امروز هرچه راجع به آینده بگوئیم، در حقیقت نگاه کردن و گفتن و اشاره کردن به برهه‌ای از زمان است که آن برهه متعلق به شماست؛ وجود واقعی شما در آن برهه تعیین‌کننده و کارگشاست. این موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسئله‌ی شعار دهه‌ی چهارم است- که شروع شده- یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می‌شود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می‌شود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا بخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود.

### بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

بحث عدالت بایستی به یک گفتمان نخبگانی تبدیل شود. باید این مسئله را دنبال کنیم و پیگیری این بحث را رها نکنیم؛ چون زمینه خیلی زیاد است، نیاز خیلی شدید است و در بیانات دوستان، بخشی از این نیاز محسوس بود. این بحث‌هایی که شما کردید و ان‌شاءالله در آینده خواهد شد، محصول آن برای نسل کنونی و نسل‌های آینده، محصول بارز و بشدت مورد نیازی خواهد بود. شاید لازم باشد بعدها از صاحبان‌تران دنیای اسلام هم استفاده کنیم. شاید در کشورهای دیگر صاحبان‌ترانی هستند که می‌توانند در جمع‌بندی نهائی و به سرانجام رساندن بحث عدالت، به ما کمک کنند.

### بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود - به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل (رضوان الله علیه)، در گفتمان‌های موضعی و در زمان‌های مختلف و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود. فرض کنید در دوران دفاع مقدس که هی می‌آمدند فشار می‌آوردند و شعار صلح را مطرح می‌کردند برای اینکه جمهوری اسلامی را از میدان خارج کنند، آنجا جمهوری اسلامی شعار «صلح عادلانه» را مطرح کرد. خب، صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جایی صلح خوب است، یک جایی صلح بد است، جنگ خوب است. اما عدالت اینجور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. خب، در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحه‌ی دغدغه‌های نظام از اول انقلاب بوده؛ در بخش اجرای عدالت، انصافا کارهای زیادی هم انجام گرفته؛ لیکن راضی کننده نیست. بعضی از دوستان در توصیف آنچه که انجام گرفته، اطلاعات و آمارهای خوبی دادند؛ در زمینه کارهایی که انجام گرفته، شاید اطلاعات من بیشتر باشد؛ میدانم کارهای وسیعی از اول انقلاب انجام گرفته؛ لیکن مطلقا راضی کننده نیست. آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفا در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما می‌خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این باید تلاش کرد.

آن چیزی که در دنباله‌ی این باید عرض کنم، این است؛ امروز که ما به بحث عدالت می‌پردازیم - بحث این نشست و مطرح شدن موضوع عدالت - این دنباله‌ی همان دغدغه‌ی اساسی است؛ به این معنا نیست که در طول سال‌های متمادی، ما عدالت را نشناختیم یا نظام جمهوری اسلامی مطلقا تعریفی از عدالت نداشته و حرکتی نکرده؛ نه، یک تعاریف اجمالی و کلی و یک قدر متیقن‌هایی همیشه وجود داشته؛ همه هم با آنها آشنا بودند، کارهای زیادی هم - همین طور که عرض کردیم - انجام گرفته. لیکن امروز که ما این را داریم مطرح می‌کنیم، اولاً به این دلیل است که می‌خواهیم گفتمان عدالت، یک گفتمان زنده و همواره حاضر در صحنه باشد. در میان نخبگان، در میان مسئولان، در میان مردم، بخصوص در بین نسل‌های تازه، باید عنوان عدالت و مسئله‌ی عدالت، به عنوان یک مسئله‌ی اصلی، به طور دائم مطرح باشد. یکی از اهداف این نشست و طرح موضوع عدالت در این نشست، این است.

### بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۲/۰۲/۲۰

گفتمان اسلامی، طرفدار عدالت است، طرفدار آزادی بشر است، طرفدار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرفدار نابودی نظام سلطه در همه‌ی جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛ این همان پرچمی است که دست شما است.

### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ اینها گفتمان‌های اصلی است؛ این گفتمان‌ها را تقویت کنید.

**بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۹۵/۰۵/۱۱**

ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد، دارای یک هدفند؛ دارای یک مسیرند. بله، ممکن است زبانها مختلف باشد، مذاهب مختلف باشد اما اهداف عالی این ملت یکسان است؛ همه می‌خواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه‌ی عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافی‌گری هست؛ خصوصیت جامعه‌ی اسلامی اینها است.

**بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۵/۰۶/۰۲**

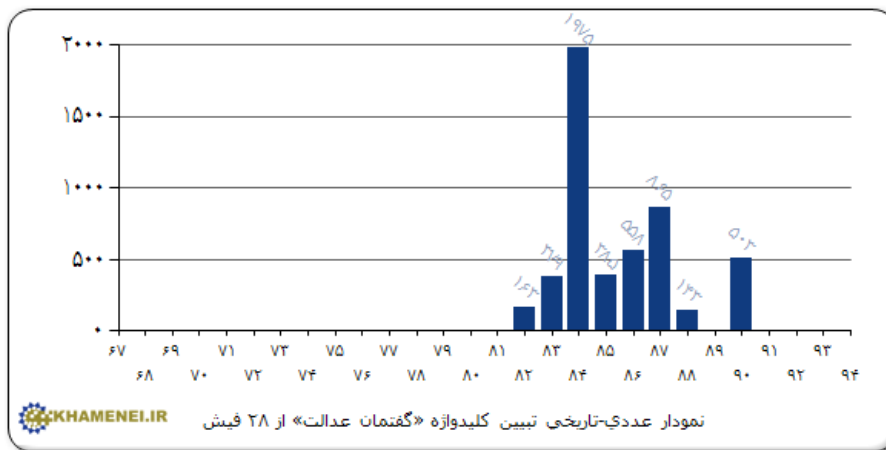
نکته‌ی چهارم، گفتمان‌سازی است؛ ببینید در صحیتهای آقای دکتر ستاری، بر مسئله‌ی علم و اقتصاد دانش‌بنیان و شرکتهای دانش‌بنیان و مانند اینها تکیه شد و تاکید شد -بعضی دوستان دیگر هم اشاره کردند- این ناشی از یک گفتمان ده دوازده ساله است. یعنی وقتی که بحث شکستن خطوط مقدم علمی و نهضت نرم‌افزاری و تولید علم مطرح میشود، دنبال میشود، گفته میشود در دانشگاه‌ها و تبدیل به گفتمان میشود، نتیجه این میشود که بنده گاهی اوقات که اینجا می‌نشینم و مثلا مجموعه‌ی دانشگاهی -چه دانشجو، چه استاد- می‌آیند، میبینم همان حرفهای را که ما مثلا گفتیم، اینها دارند همان حرفها را به عنوان مطالبه بیان میکنند؛ این می‌شود گفتمان، این گفتمان است، این خوب است؛ وقتی این‌جور شد، آنوقت این پیشرفتهای علمی پیش می‌آید. ما امروز در مسائل فضایی، در مسائل هسته‌ای، در نانو، در فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفتهای زیادی داریم، پیشرفتهای مهمی داریم؛ این پیشرفتهای ناشی از همین گفتمان‌سازی است. وقتی گفتمان‌سازی شد، آنوقت همه به این فکر خواهند افتاد، یعنی در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کانه یک جاده‌ی وسیع و یک بزرگراهی به وجود می‌آید که همه میل میکنند از این بزرگراه حرکت کنند؛ بنابراین گفتمان‌سازی خیلی مهم است. البته با تکرار کلمه‌ی «اقتصاد مقاومتی» گفتمان‌سازی نمیشود، نباید کاری کرد که این کلمه حرف را همین‌طور این قدر تکرار کنیم که از ذهن بیفتد؛ نه، بلکه با تبیین و با توضیح و مانند اینها بیان بشود.

**بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۶/۰۶/۳۰**

یکی از چیزهایی که از اول در انقلاب مطرح بوده است، مسئله‌ی عدالت است. عدالت یعنی کم کردن فاصله‌ی بین فقیر و غنی در کشور و مبارزه‌ی با فقر در کشور و تقسیم درست ثروت در کشور. این غیر از تفکرات مارکسیستی است؛ این غیر از تساوی و برابری است که سوسیالیست‌ها یا کمونیست‌ها بیان میکنند؛ این نظر اسلام است؛ منابع اسلامی و مدارک اسلامی همه تایید و تاکید میکنند بر این معنا. نه‌اینکه ما دست بگذاریم روی ثروت ثروتمندان و بخواهیم این ثروت را از اینها بگیریم؛ نه، بلکه بایستی کشور را جوری اداره بکنیم که فاصله‌ی بین فقیر و غنی کم بشود. خب، این مسئله‌ی بسیار مهمی است و امروز در دنیا هم مطرح است؛ این «ضریب جینی» که در دنیا مطرح است و امروز جزو معیارها و شاخصهای اقتصادی است، همین است؛ در واقع، به یک معنا فاصله‌ی بین فقیر و غنی است. ما باید نگاه کنیم ببینیم در این زمینه -از نظر اسلام- چقدر پیش رفته‌ایم، چقدر حرکت کرده‌ایم؛ چرا این‌جور شده، محاسبه کنیم اینها را.

**بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب / ۱۳۹۷/۰۲/۰۹**

شعر یکی از هنرهای اثرگذار است؛ یک خصوصیتی در شعر هست که در بسیاری از هنرهای دیگر نیست. خب بعضی از هنرها در بخش دیگری و به نوع دیگری خیلی اثرگذارند -مثل سینما، مثل تئاتر و از این قبیل- اما شعر یک جور دیگری اثرگذار است. شعر بایستی جریان‌سازی بکند؛ یعنی مجموعه‌ی شاعر کشور باید جوری شعر را در فضای هنری کشور و فضای شعری کشور تنظیم بکنند و تولید بکنند و خلق بکنند و تکثیر بکنند که بتواند مسائل مهم و مورد ابتلا کشور را گفتمان‌سازی کند و جریان‌سازی کند. فرض بفرمایید راجع به مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی مقاومت، مسئله‌ی اخلاق؛ ما چقدر احتیاج داریم به اخلاق معاشرتی با یکدیگر که من پرپرور هم در یک جلسه‌ای اینجا با جوانها روی این تکیه کردم؛ ما، هم اخلاق فردی خودمان، اخلاق شخصی خودمان بایستی تهذیب بشود و رشد و علو پیدا بکند، هم اخلاق معاشرتی‌مان، رفتارهایمان با مردم، مثل گذشت، مثل ایثار، مثل صداقت، مثل اخوت، برادری و از این چیزها. خوشبختانه در تاریخ شعر ما، در این زمینه خیلی حرف هست، خیلی اشعار عالی سروده شده و این گفتمان‌سازی باید ادامه پیدا کند؛ همچنین در زمینه‌های گوناگون که عرض کردم؛ مثل مقاومت، مثل همین مسائلی که امشب در چند شعر بود و موضوعات مهمی بود.



**مقالات مرتبط با کلیدواژه «گفتمان عدالت» :**

آسیب‌شناسی گفتمان عدالت در دولت دینی / نویسنده : محمدرحیم عیوضی / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی / نویسنده : محمدرحیم عیوضی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷